

مشروطه خواهان بوده و چهارم این که یکی از عکاسانی بوده که تلاش کرده زندگی روزمره یا زندگی اجتماعی مردم را از طریق عکاسی ثبت و ضبط کند. استاد ذکاء در کتاب خود اشاره می‌کند که در دو دهه پایانی سلطنت ناصرالدین شاه است که عکس‌هایی از مردم گرفته می‌شود؛ پیش از این عکسی از مردم نداریم. این اتفاق عجیبی است که مردم، این همیشه مطرودان و محذوفان تاریخ، در هیچ سند و مدرکی وجود ندارند، اما اولین بار عکاسی، آن هم در سال‌های پایانی دوره ناصری است که تصویری مستند از آنان ثبت و ضبط می‌کند. کم‌کم دوربین‌ها از فضا‌های سلطنتی و آتلیه‌ها بیرون می‌آیند و از خیابان، مردم و زندگی روزمره عکس می‌گیرند. سوریوگین یکی از افرادی است که از مشاغل عکاسی کرده است. مثلاً کسی کنار خیابان کباب درست می‌کند یا تصویر بستنی‌فروش و بستنی‌خوردن و... را ثبت کرده است. البته فقط سوریوگین نبوده که این کار را انجام داده. احتمالاً عکاسان دیگری هم بوده‌اند. حتی برخی نیز قبل از سوریوگین این کار را انجام داده‌اند، ولی در هر حال جزو معدود عکاسانی بوده که چنین تلاشی داشته است.

#### ۴) برخی با حضور خودشان در عکس، اثرشان را امضا می‌کنند.

در مورد عکس‌های قاجاری، معمولاً پرده‌هایی که پشت سوژه‌ها و افراد وجود دارد، مشخص می‌کند عکاس چه کسی بوده یا عکس مربوط به کدام عکاسخانه بوده است، چون آن پرده صرفاً متعلق به همان عکاسخانه بوده است. پرتله‌هایی که سوریوگین دارد، بسیار دقیق است و سایه‌پردازی‌هایی دارد که توجه او به جزئیات را نشان می‌دهد. می‌توان نورپردازی آنها را ملهم از نقاشی اروپایی دانست. سوریوگین مجموعه عکسی دارد که از درآویش گرفته شده است. تمام این تصاویر هنرمندانه نورپردازی و سایه‌پردازی شده‌اند، ولی درآویش موضوع عکاسان دیگر هم بوده‌اند. با دقت فراوان و توجه به جزئیات عکس‌ها شاید بتوان امضای کار سوریوگین را در این تصاویر یافت. هرچند کاری بسیار دشوار بوده و ممکن است خطا هم داشته باشیم. ظاهراً چیدمان عکس‌های عکاسان ایرانی و غیرایرانی نیز با هم فرق داشته است. شاید این موضوع هم بتواند به ما برای شناسایی عکاسان کمک کند. هرچند تمام این روش‌ها از جمله چیدمان، روتوش و غیره احتمالاً دقیق نیستند و ممکن است خطاهایی هم داشته باشند.

#### ۵) آن زمان برای شخصی سازی عکس‌ها از چه عناصری استفاده می‌کردند؟

به نظر می‌رسد هر کدام از عکاسان شیوه‌های خاص خود را داشته‌اند. احتمالاً کسبی مثل سوریوگین از سایه‌پردازی بیشتر استفاده می‌کرده است. برخی در چیدمان تصویر، عده‌ای در کنتراست بالا، تعدادی در بُزگرفتن سوژه‌ها و بعضی در وسایل صحنه می‌توانستند عکس‌ها را شخصی کنند. این امر می‌تواند موضوع تحقیقی جداگانه در حوزه تاریخ عکاسی ایران باشد.

#### ۶) اگر بخواهید در این عرصه به سراغ نفر بعدی بروید، او چه کسی خواهد بود؟

عبدالله... میرزای قاجار را انتخاب کرده‌ام. او عکاسی ایرانی است که متأسفانه نوشته‌های کمی درباره‌اش داریم. او شاهزاده قجری بوده و عکس‌های بسیار زیادی گرفته است. فکر می‌کنم از ۳۰۰ عکسی که از کاخ گلستان بیرون آمده، تعداد زیادی عکس‌های او باشند. عکس‌های معماری او عکس‌های مهمی هستند به ویژه از تهران.

## سوریوگین از منظر تکنیک عکاسی



نمی‌دانیم این عکس‌ها متعلق به کدام یک از آنان است. به هر حال آنچه با عنوان عکس‌های سوریوگین می‌شناسیم، نشان می‌دهد با عکاسی کاربلد و حرفه‌ای مواجهیم.



پژوهشگران هیچ وقت کاخ گلستان را ندیده‌اند. با تعداد کمی از تصاویر آنجا را دیده‌اند. آن تصویری که از ایران دوره قاجار و از قرن ۱۹ منتشر شده، توسط غربی‌ها انتشار پیدا کرده است؛ از این رو همه پژوهشگران اصرار دارند کاخ باید تا آنجا که می‌تواند این تصاویر را منتشر کند و در اختیار محققان و پژوهشگران قرار دهد. تصویری که ما از عکس‌های سوریوگین داریم، عکس‌هایی است که از موسسه اسمیتسونین و موزه قوم‌شناسی لیدن دریافت کرده‌ایم. در آرشیو‌هایی که در برخی دانشگاه‌ها یا دیگر مراکز پژوهشی خارج از ایران وجود دارد، به راحتی می‌توان عکس‌ها را دانلود کرد و در اختیار داشت و هیچ منعی هم وجود ندارد، ولی نمی‌توان از کاخ گلستان عکسی گرفت!

#### ۴) اگر موافقت با هم در مورد اهمیت سوریوگین صحبت کنیم...

سوریوگین اولین آژانس عکس ایران را داشته است. به خارجی‌ها عکس می‌فروخته و معمولاً عکس‌هایی برای سلیقه یا چشم غربی‌ها می‌گرفته است. بخشی از تصاویر ایران قرن نوزدهم مربوط به عکس‌هایی است که سوریوگین به خارجی‌ها فروخته است.

دیگر این که او در زمانی طولانی از دوره ناصرالدین شاه عکاسی کرده است. البته خانم شی‌ویلر در تحقیقش می‌نویسد که اصلاً ناصرالدین شاه سوریوگین را ندیده است و در دربار مظفرالدین شاه بوده و احتمالاً لقب خان را از دربار مظفری گرفته است. او حتی در دوره پهلوی هم عکاسی کرده است. سوم این که می‌دانیم از طرفداران

سوریوگین «دوران» با امیر هوشنگ للهی گفت‌وگو کردیم

# عکس در ایران

سان ایرانی نام‌گذاری کنیم

#### ۴) چرا «سوریوگین» را انتخاب کردید؟

به نظرم سوریوگین عکاس پیشگامی نیست. او ایرانی-ارمنی است. مادرش ایرانی-ارمنی و پدرش روس بود. خانواده سوریوگین به ایران می‌آیند و سال‌های سال در ایران زندگی می‌کنند. سوریوگین دوره‌ای به گرجستان می‌رود و آنجا زندگی می‌کند. به نظر من او شاگرد ارماکوف عکاس بزرگ گرجستانی بوده است. شاید از این روس سوریوگین را گرجستانی می‌دانند، اما او گرجی نبوده است. خانم شی‌ویلر در مقاله‌اش مختصات زندگی سوریوگین را به خوبی ترسیم کرده است. درباره سوریوگین حرف‌های زیادی گفته می‌شود. او شناخته‌شده‌ترین عکاس ایران در خارج از کشور بود. او به نوعی آژانس عکس داشت و خارجی‌هایی که به ایران می‌آمدند یا در صورتی که سفرنامه‌نویسان عکس می‌خواستند، به سراغش می‌رفتند. گفته می‌شود بخشی از این عکس‌ها که به اسم آنتوان سوریوگین ثبت شده، عکس‌های او نیست. او عکس‌ها را از عکاسان می‌خرید و می‌فروخته است. البته این مسأله از ارزش هنری کارهای او کم نمی‌کند.

استاد طهماسب پور بیش از ۱۰۰ عکس را شناسایی کرده که مستدل آنها را از آن سوریوگین نمی‌دانند. سوریوگین تعداد زیادی شیشه داشته که بخشی از آنها در ماجرای مشروطه به دلیل طرفداری او از مشروطه‌چی‌ها از بین می‌روند. بعد از پادشاهی رضاشاه نیز چون او از قاجاریان و مظاهر آنها دل خوشی نداشت و می‌خواست هر مظهري از دوران قاجار پاک شود، بخشی از شیشه‌های سوریوگین توقیف می‌شود. بعدها نواده‌های او آنها را پس می‌گیرند. در جهان، چند آرشیو مهم وجود دارد که بخشی از عکس‌های سوریوگین را در خود جای داده‌اند. موسسه اسمیتسونین در آمریکا حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ عکس از سوریوگین دارد. این عکس‌ها به اسم سوریوگین ثبت شده، ولی بسیاری از آنها به لحاظ زمانی و نوع عکس‌ها، عکس سوریوگین نیستند و ما این را می‌دانیم.

#### ۴) ۷۰۰ تا ۸۰۰ عکس برای آن دوران تعداد بالایی است.

بله زیاد است. گفته می‌شود از سوریوگین ۲۰۰۰ شیشه باقی مانده که ابتدا ۵۰۰ تا بود و تعداد زیادی از آنها در انفجار بمبی در دوران مشروطه در عکاسخانه‌اش از بین می‌رود. یکی از آرشیوهای عکس‌های سوریوگین موزه قوم‌شناسی لیدن هلند است که بخشی از آثار سوریوگین را در کتابی به زبان فارسی چاپ کرده است، ولی از این کتاب تنها یک چاپ منتشر شده است. موضوع این است که



### در مورد

### عکس‌های

### قاجاری، معمولاً

### پرده‌هایی که

### پشت سوژه‌ها

### و افراد وجود

### دارد، مشخص

### می‌کند عکاس

### چه کسی بوده یا

### عکس مربوط به

### کدام عکاسخانه

### بوده است

